



DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2025.50139.2349>

Print ISSN: X2588-414

Online ISSN: X2783-5081

Pages: 1-25

Received: 2024/10/1

Accepted: 2025/2/5

Original Research

The Culture of the Quran in Confronting Conflicts of Interest

Mohamad Shabanpour  ¹

Assistant Professor, Department of
Quran and Hadith Sciences, Faculty of
Theology and Islamic Studies, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

Conflict of interest is a situation in which a person sees his personal interests in conflict with public and professional interests. This situation exists in various areas of human social relations and is known as part of general anomalies and one of the important indicators of corruption in these areas. Failure to manage it can have important consequences. Therefore, it is necessary and necessary to recognize the issue of conflict of interests in the Qur'anic culture in terms of legislation and human guidance. In this article, with the "content analysis" method, the beginning of conflict of interest situations in the Holy Quran is explained, and then the Quranic solutions to deal with this social phenomenon are evaluated. The findings of the research show that the Almighty God, in the position of legislation, is aware of the importance of conflict of interests and tried to prevent it as much as possible by introducing situations and providing solutions and stating the consequences of not paying attention to the solutions. Strategies such as giving preference to the best interest, creating positive conflict of interest, blaming profit seeking, observing justice and self-sacrifice... are among the strategies that can be effective in preventing and managing

Keywords: Holy Qur'an, Culture, Conflict of Interest, Priority of Higher Interests, Observance of Justice and Sacrifice, Prohibition of Creditor's Book.

¹ mohamadshabanpour@gmail.com

Introduction

Conflicts of interest arise when an individual perceives a clash between personal interests and public or professional responsibilities. This situation exists across various areas of human social relations and is recognized as a significant aspect of corruption. If not managed properly, conflicts of interest can lead to serious consequences. Therefore, understanding the concept of conflicts of interest within the culture of the Quran, in terms of legislation and guidance for humanity, is essential and necessary. This paper seeks to explore how the Quran addresses this social phenomenon and whether this modern issue is discussed in the Quran and its interpretive works. It aims to identify the positions of conflict of interest articulated in the Quran, the strategies proposed to address these issues, and the potential consequences of neglecting these Quranic strategies.

Research Background

Using content analysis as a method, the paper begins by elucidating the positions of conflicts of interest found in the Quran and then evaluates the Quranic solutions to confront this social phenomenon. The research findings indicate that God, in the context of legislation, is aware of the significance of conflicts of interest and has endeavored to prevent them by introducing various scenarios, offering strategies, and highlighting the consequences of disregarding these strategies. Strategies such as prioritizing higher interests, creating positive conflicts of interest, admonishing self-interest, upholding justice, and promoting selflessness are identified as effective measures for managing conflicts of interest.

Research Method

The research employs a content analysis approach to respond to the aforementioned questions. It posits that the Quran's comprehensive nature allows it to address contemporary societal needs effectively. The methodology involves extracting various topics and issues from the Quran, gathering the relevant verses, and analyzing them collectively to derive insights. Unlike traditional thematic interpretation methods, this approach focuses on real-life issues and seeks answers from the Quran, operating under the belief that the Quran can address modern-day needs.

Results

The findings reveal that the Quran recognizes conflicts of interest as destructive situations and as instruments for achieving unreasonable desires, marking them as significant indicators of social corruption. The Quran outlines various positions of conflicts of interest and emphasizes the importance of recognizing these conflicts to manage and confront them effectively. Key Quranic strategies for preventing adverse outcomes from conflicts of interest include prioritizing higher interests over lower ones, ensuring justice, promoting selflessness, prohibiting the creditor from drafting contracts, fostering positive conflicts of interest, and admonishing self-interest. Additionally, the paper discusses potential consequences of failing to manage conflicts of interest, such as divine retribution, condemnation of self-interest, and the threat of accountability in the afterlife.

DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2025.50139.2349>

شاپای چاپی X2588-414

شاپای الکترونیکی X2783-5081

صفحات: ۱-۲۵

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

مقاله پژوهشی

فرهنگ قرآن در مواجهه با تعارض منافع

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه
علامه طباطبائی، تهران، ایران

شعبان پور، محمد * 

چکیده

تعارض منافع، موقعیتی است که فرد در آن، منافع شخصی خود را با منافع عمومی و حرفه‌ای در تعارض می‌بیند. این موقعیت در حوزه‌های مختلف روابط اجتماعی انسان وجود دارد و جزء ناهنجاری‌های عمومی و از شاخصه‌های مهم فساد در این حوزه‌ها شناخته می‌شود. عدم مدیریت آن می‌تواند پیامدهای مهمی را در پی داشته باشد. از این‌رو، شناخت موضوع تعارض منافع در فرهنگ قرآن در مقام تقنین و راهنمایی بشر لازم و ضروری است. در این مقاله با روش «تحلیل محتوا» ابتدا موقعیت‌های تعارض منافع در قرآن مجید تبیین می‌شود و آنگاه راهکارهای قرآنی مقابله با این پدیده اجتماعی ارزیابی می‌گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خدای متعال در مقام تشریع، بر اهمیت موضوع تعارض منافع واقف بوده و کوشیده با معرفی موقعیت‌ها و ارائه راهکارها و بیان پیامدهای عدم توجه به راهکارها تا حد ممکن از آن پیشگیری کند. راهکارهایی چون ترجیح مصلحت عالی بردانی، ایجاد تعارض منافع مثبت، سرزنش نفع طلبی، رعایت عدالت و ایثار ... از راهکارهایی است که می‌تواند در پیشگیری و مدیریت تعارض منافع مؤثر واقع شود. **کلیدواژه:** قرآن کریم، فرهنگ، تعارض منافع، تقدم مصالح عالی، رعایت عدالت و ایثار، منع کتابت طلبکار.

۱. مقدمه

انسان در زندگی همواره به دنبال منفعت خویش و دفع ضرر است. منفعت‌طلبی یک ویژگی ذاتی و یک مصلحت عقلانی و انسانی است که همه انسان‌ها در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شوند و به فراخور موقعیت‌های مختلف بروز و ظهور می‌کند. منفعت‌طلبی از سویی سبب می‌شود که انسان به‌سوی کار و تلاش در جهت مثبت سوق پیدا کند و از سویی می‌تواند مخرب باشد و به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های نامعقول قرار گیرد.

انسان در زندگی اجتماعی، همواره در انتخاب‌های خودبین منافع شخصی با منافع جمعی دچار تعارض یا تراحم‌هایی می‌شود که راه شناخت مصلحت برای او مشکل می‌شود و برای رهایی از تعارض‌ها باید یکی بر دیگری ترجیح داده شود. در فرهنگ قرآن، برای برون‌رفت از این مشکل، راهکارها و راه‌حل‌هایی است که انسان را از تحیر و ابهام و دوگانگی نجات می‌بخشد. از این روی در این جستار با این پرسش اساسی روبرو هستیم که فرهنگ قرآن در مواجهه با این پدیده اجتماعی چگونه است؟ آیا اساساً این مسئله که از مسائل جدید در حوزه علوم انسانی است در قرآن کریم و به تبع آن در آثار تفسیری مفسران نیز آمده است؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد راهبردهای قرآن کریم نسبت به این موضوع چیست؟ موقعیت‌های تعارض منافع چگونه در قرآن تبیین شده است؟ و چه راهکارهایی در مواجهه با این مسئله ارائه شده؟ و پیامدهای احتمالی عدم توجه به راهکارهای قرآنی چیست؟

این مقاله در صدد است با بهره‌گیری از روش «تحلیل محتوا» به سؤالات مذکور پاسخ دهد. برای اینکه تفسیر موضوعی بر اساس متد و روش بر دو گونه انجام می‌گیرد؛ نخست اینکه یکایک موضوع و مسائل مطرح‌شده در قرآن را بیرون آورده و سپس آیات مربوط به هر یک را جدا و در یکجا گردآوری کنند و با در نظر گرفتن مجموع آن آیات موضوع را بررسی نمایند در حقیقت در این روش پای سخن قرآن نشستن است تا قرآن پیام خود را برساند؛ و نقش مفسر فقط ثبت و ضبط پیام‌های دریافتی از قرآن است؛ و ما در این مقاله از این روش کهن تفسیری استفاده نمی‌کنیم؛ اما آنچه ضرورت چنین پژوهشی را تبیین می‌کند، روش دوم است که مسائل و نیازهای واقع را از متن واقعیت و حیات زندگی بررسی و دریافت کنیم و سپس پاسخ آن‌ها را از قرآن کریم جستجو کنیم با این باور که قرآن، همواره پاسخگوی نیازهای روز است. «... و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لكل شیء...» (نحل، ۸۹) ما بر تو این کتاب (قرآن) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند...» طرفداران جامعیت قرآن در دیدگاه حداکثری به گستردگی قرآن در همه علوم و روش‌ها معتقدند اینان قرآن را جامع

مسائلی می‌دانند که مبین قوانین علوم نظری و تجربی است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۵۰۳؛ مترجم حسینی، ۱۳۹۵، ص ۹۳) چنین کسانی به‌واقع گواهی می‌دهند که همه دانش‌ها در قرآن کریم وجود دارد و قرآن می‌تواند همه نیازهای انسان را پاسخگو باشد البته درباره این مسئله دیدگاه‌های حداقلی (ر.ک: عزت دروزه، ۱۳۸۳ ق، ج ۶، ص ۹۱؛ سروش، ۳۷۶، ص ۴۸-۵۸) و اعتدالی نیز وجود دارد که از موضوع بحث پژوهش خارج است. (ر.ک: رشید رضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۳۹۴؛ طباطبایی، بی‌تا ج ۷ (ذیل آیه ۳۷ سوره انعام)؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳ ش، ص ۹)

امام علی (ع) درباره بهره‌گیری از شیوه دوم چنین دستور فرموده‌اند: «... ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ وَلَكِنْ أُخْبِرُكُمْ عَنْهُ: أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ.» (شریف رضی؛ ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۵۸، ص ۲۹۴)؛ این قرآن است که در اختیار شماست؛ او را به سخن آورید؛ او خود سخن نمی‌گوید، همانا به شما خبر دهم که در قرآن، دانستنی‌ها برای آینده فراوان است و از گذشته نیز تجربه‌ها می‌آموزد درمان دردهای شما در آن موجود است و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است. «تعارض منافع» یکی از موضوعات زنده جامعه امروزی است که بیشتر از منظر حقوقی، سیاسی، اقتصادی و مدیریت به آن نگرسته شده است اما تابه‌حال این موضوع از نگاه قرآن و در فرهنگ قرآن مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است و هیچ سابقه‌ای ندارد.

۱-۱. روش پژوهش

در پاسخ به سؤالات پژوهش، از روش «تحلیل محتوا» استفاده شده است. نتایج پژوهش نیز دربرگیرنده ویژگی‌های مطلوب نوآوری در حوزه‌های تبیین موقعیت‌های تعارض منافع و ارائه راهکارهای مناسب برای حل تعارضات و تزاخم‌های موجود میان منافع فردی و عمومی و همچنین بیان پیامدهای احتمالی عدم توجه به راهکارهای قرآنی مربوط به حل تعارض منافع که رعایت آن‌ها می‌تواند انسان را از آفت‌های منفعت‌طلبی نجات دهد.

۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره تعارض منافع پژوهش‌های متعددی نگاشته شده است که بیشتر از منظر علوم اجتماعی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در ادامه از مجموع ۷۱ مقاله موجود درباره این موضوع، برخی از مقالات بیان می‌شود:

۱) مقاله «حقوق را جدید بگیریم» (جای خالی قانون مدیریت تعارض منافع در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم) تألیف سید مصطفی محقق داماد و محمد درویش زاده که در نشریه: تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. در این مقاله پس از توضیح مفهوم مدیریت تعارض منافع، این موضوع را در نظام‌های حقوقی و نظریه‌های فقهی مورد بررسی قرار گرفته و مصادیق عینی از تعارض منافع در اداره امور کشور و گزارشی از تلاش‌های انجام شده در این حوزه ارائه شده و به‌طور خاص به بررسی خلاء قانونی در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم پرداخته است.

۲) مقاله «تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی» نوشته حسن بادینی و سعید سیاه بیدی کرمانشاهی در مجله حقوقی دادگستری در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. در این مقاله پس از شرح مفهوم تعارض منافع به مصادیق آن در حقوق خصوصی پرداخته است. علاوه بر این مهم‌ترین اشتباهات سایر پژوهشگران در زمینه تعارض منافع مورد نقد قرار گرفته و راهکارهای مدیریت حقوقی این تعارضات و پیشنهادها برای نظام حقوقی ایران تبیین شده است.

۳) مقاله «ناسازگاری (تعارض و تزامم) قواعد الگوی مصرف فرد مسلمان» تألیف علی اکبر کریمی، سید حسین میرمعزی و سیدرضا حسینی در مجله اقتصاد اسلامی در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. این مقاله تعارض و تزامم را در الگوی مصرف شناخته و راه‌حل‌هایی ارائه داده است. همچنین تعارض و تزامم را از اصول فقه شیعه تبیین نموده و روش‌های اصولی در جهت حل تعارضات و روش عقلی را در فقه ارائه داده است.

سه مقاله مذکور و همچنین سایر مقالات یافت شده درباره این موضوع، با پژوهش حاضر، تفاوت جوهری دارد زیرا مقالات مذکور بیشتر به این موضوع از جنبه حقوقی و فقهی نگریسته‌اند و تا به حال موضوع تعارض منافع از منظر قرآن و تفسیر مورد بررسی قرار نگرفته است بنابراین، کاری که در این پژوهش انجام می‌شود در هیچ اثری انجام نشده است.

۲. مفهوم شناسی

سه واژه «فرهنگ»، «تعارض» و «منافع» که در عنوان مقاله ذکر شده است تبیین می‌شود تا عنوان مقاله روشن‌تر شود.

۱-۲. فرهنگ

فرهنگ در منابع فارسی از دو واژه «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است. فر، به معنایشان، شوکت و شکوه، برازندگی، زیبایی و پیرایش، نور، پرتو، تابش، آواز؛ و آهنگ به معنای عدالت و امامت، استقلال، سیاست، عقوبت، توانایی، سرافرازی، شجاعت، شادی و کامیابی و معانی متعددی از این قبیل به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۱۷؛ عمید، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۸۳۷) از این روی نقش پیشوند «فر» در تعیین معنای فرهنگ مهم می‌نماید. برای این واژه حوزه‌های کاربردی متنوع ولی معانی نزدیک به هم یافت می‌شود و نشان از دلالت «فرهنگ» بر تمامی صفات و خصلت‌های نیکو دارد. یکی دیگر از کاربردهای واژه فرهنگ به معنا و مفهوم آداب و سنت‌ها و عقاید یک جامعه است که این معنا می‌تواند از مصادیق تحول مفهومی واژه فرهنگ باشد. (همان)

منظور از این واژه در مقاله حاضر این است که روشن شود سنت و روش قرآن در مواجهه با تعارض منافع چگونه است؟ و چه برنامه‌هایی برای آن ارائه کرده و برای دستیابی به آن هدف چه راهکارهای عملی و اجرایی ارائه نموده است.

۲-۲. تعارض و تراحم

تعارض در لغت عرب مصدر باب تفاعل و از عرض مشتق است و عرض دو معنا دارد: یکی به معنای اظهار کردن، به لحاظ اینکه هر یک از دو دلیل متعارض در مقابل دلیل دیگر عرض اندام و اظهار وجود می‌کنند؛ و دیگری به معنای عرض در مقابل طول، به لحاظ اینکه همیشه متعارضین با بستی در عرض هم باشند نه در طول هم به عبارت دیگر متعارضین باید در یک رتبه باشند نه در دو مرحله (احمد ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۶۹؛ مظفر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۱۰؛ محمدی، ۱۳۸۷، ش، ج ۳، ص ۳۳۳). تراحم از ماده «زحمت» است و در اصطلاح هرگاه دو حکم برای یکدیگر مزاحمتی ایجاد کنند به گونه‌ای که نتوان به هردو عمل کرد به آن تراحم گویند؛ بنابراین در تعارض یک دلیل حق است و دلیل دیگر باطل ولی در تراحم هردو دلیل حق است اما مکلف قادر به انجام هردو نیست. همچنین تعارض، تنافی دو دلیل در مرحله قانون‌گذاری و جعل و تشریع است ولی تراحم در مرحله اجرای قانون و ناسازگاری دو حکم به دلیل عدم امکان امتثال از طرف مکلف می‌باشد (ولایی، ۱۳۸۷، ش، ص ۱۸۲) بنابراین طبق تفاوت ذکر شده بین تراحم و تعارض، بیشتر موضوعاتی که به عنوان تعارض منافع مطرح می‌شود تراحم منافع است درواقع به کارگیری از تعارض منافع، تبعیت از اصطلاح

رایج در علوم انسانی است درحالی که منظور ما در این پژوهش از تعارض منافع همان تزام منافع است. تعارض منافع، تعارض علائق، تضاد منافع، مناقشه منافع و تزام منافع از دیگر واژه‌های همسان برای این کلمه است و در اصطلاح حقوقی به معنای در عرض هم قرار گرفتن منافع مختلف است به نحوی که نتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از شرایط که موجب می‌گردد تصمیمات و اقدامات حرفه‌ای، تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد را تعارض منافع می‌نامند که به عنوان نشانه، شاکله و یکی از شاخصه‌های وجود فساد می‌باشد. (بادینی و سیاه بیدی، ۱۴۰۰، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۶، ص ۲۰۹)

۲-۳. منافع

منافع جمع «منفعت» و از ماده نفع به معنای خیر و نیکی، فایده و سودی به انسان برسد. (راغب، ۱۳۸۸ ش ص ۴۴۵) این مفهوم از واژگان قرآنی است که در آیات فراوانی از قرآن کریم آمده است مانند: «لشهدوا منافع لهم؛ (حج/۲۸) تا در آنجا (حج) بر سر منافع (دنیوی و اخروی بسیار) خود حضور یابند...»؛ «والانعام خلقهما لكم فيها دفء و منافع و منهما تأکلون، (نحل/۵) و چهار پایان را خلق کرد که به (موی و پشم) آن‌ها گرم می‌شوید و از آن‌ها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آن‌ها غذای مأكول می‌سازید»؛ «... و لكم فيها منافع کثیره و منها تاکلون. (مؤمنون/۲۱)؛ ...» و در آن‌ها (چهارپایان) برای شما منافع بسیاری و از (گوشت) آن‌ها نیز تناول می‌کنید.

برخی از اهل لغت این واژه را به ضد خود معنی کردند و گفتند: «کلمه تدلُّ علی خلاف الضَّرَّ» یعنی واژه نفع به معنای ضد ضرر است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۶۳؛ راغب، ۱۳۸۸، ص ۴۴۵) که در آیات قرآن نیز نفع در مقابل ضرر قرار گرفته است مانند آیه شریفه «... ولا یملکون لانفسهم ضرراً ولا نفعاً، (فرقان/۳ و اعراف/۱۸۸)؛ ... (و آن بتان) هیچ بر نفع و ضرر خود قادر نیستند» مقصود از تعارض منافع در این پژوهش، دو سود و دو فایده‌ای است که کسب هر دوی آن‌ها برای مکلف ممکن نیست به ناچار باید یکی را بر دیگری ترجیح دهد و انتخاب کند و آن دیگری را رها نماید.

در ادامه ابتدا فرهنگ قرآن نسبت به شناخت موقعیت‌های تعارض منافع بیان می‌شود و آنگاه راهکارها و پیامدهای عدم توجه به آن‌ها ارزیابی خواهند شد.

۳. موقعیت‌های تعارض منافع در قرآن

موقعیت‌های تعارض منافع در قرآن کریم بسیار است از این‌رو، شناخت و معرفی همه آن‌ها در این مجال

نمی‌گنجد بلکه لازم است در قالب طرح‌های پژوهشی و یا کلان پروژه‌های پژوهشی به آن‌ها پرداخته شود اما در عین حال در این پژوهش بعضی از نمونه‌های قرآنی آن‌که در آثار تفسیری مفسران نیز آمده است اشاره می‌کنیم برای اینکه شرط مدیریت تعارض منافع ابتدا شناخت و معرفی موقعیت‌های آن است.

۳-۱. موقعیت دنیاطلبی

یکی از موقعیت‌هایی که در فرهنگ قرآن به عنوان موقعیت تعارض منافع معرفی شده است اینکه: قرار گرفتن یک مسلمان در جایگاهی که مصالح دنیایی را بر دین و مسائل اخروی ترجیح دهد برخی از مفسران از این جایگاه تعبیر به دنیاطلبی (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۷) و برخی دیگر، به رفاه‌طلبی تعبیر کرده‌اند. (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۹) خداوند در آیه ۲۴ سوره توبه رفاه‌طلبان را از منافع دنیاطلبی بر حذر داشته است و می‌فرماید: «قل ان كان اباؤکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموالٌ اقترتموها و تجاره تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یأتی الله بامر و الله لایهدی القوم الفاسقین؛ (توبه/۲۴) بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و ثروت‌هایی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش بیم دارید و مسکن‌های مورد علاقه شما، در نظرتان از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر است در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند گروه نافرمان بردار را هدایت نمی‌کند»

در این آیه هشت موقعیت در مقابل سه موقعیت قرار می‌گیرد که البته گروه‌هایی که در این آیه مطرح شده، به عنوان نمونه است و به همین دلیل، پدر شامل مادر هم می‌شود و پسر شامل دختر و برادر شامل خواهر نیز می‌شود. (همان، ص ۳۸) وقتی که مؤمنان به هجرت مأمور شدند و تصمیم گرفتند که حرکت کنند بعضی را همسرانشان و بعضی را پدر و مادر و فرزندان از سفر ممانعت می‌کردند و آن‌ها نیز به خاطر این خویشاوندان و موقعیت‌های دیگر، مهاجرت را ترک می‌کردند این بود که خداوند برای آن‌ها توضیح داد که امر دین بر خویشاوندی و موقعیت‌های هشت‌گانه مقدم است و هرگاه برای امر دینی لازم باشد که آدمی با پدر و مادر و فرزندان قطع رابطه کند، اولی و سزاوارتر است (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۵۲۶) البته قصد آیه و مفهومش بریدن پیوندهای دوستی و محبت با خویشاوندان و نادیده گرفتن سرمایه‌های اقتصادی و سوق دادن به ترک عواطف انسانی نیست، بلکه منظور این است که بر سر دوراهی‌ها نباید عشق و محبت به این امور مانع از اجرای حکم خدا و گرایش به جهاد گردد و انسان را از هدف مقدسش بازدارد. لذا اگر انسان بر سر دوراهی

نباشد رعایت هردو بر او لازم است (مکارم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۸۹) اما بر سر دوراهی‌ها باید طبق قاعده عقلایی «الاهم فالاهم» اهم را بر مهم ترجیح دهد و مصلحت را در تقدم منافع عالی بر منافع دانی لحاظ نماید.

موقعیت رفاه‌طلبی در آیات دیگر و در سرگذشت قوم بنی‌اسرائیل نیز به تصویر کشیده شد هنگامی که موسی (ع) به قوم خود فرمود: وارد سرزمین مقدس (بیت‌المقدس) شوید و با دشمن بجنگید، تعارض منافع موجب شد که آن‌ها از فرمان او تخلف کنند و بگویند: «قالو یا موسی انا لن ندخلها ابداً ماداموا فیها فاذهب انت و ربک فقاتلا انا هاهنا قاعدون؛ (مائده/۲۴) قوم گفتند: ای موسی، هرگز ما در آنجا مادامی که آن‌ها باشند ابداً درنیاییم، پس تو برو به اتفاق پروردگارت با آن‌ها قتال کنی ما اینجا خواهیم نیست» مفسران ذیل آیه را دلیل بر دنیاطلبی و رفاه زندگی بنی‌اسرائیل می‌دادند که گفتند: «انا هاهنا قاعدون» درحالی که لازم بود مصلحت عالی که فرمان الهی بود را بر مصلحت خویش (رفاه‌طلبی) ترجیح می‌دادند (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۷۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۷).

۲-۳. موقعیت مشورت (و مشاوره)

خداوند در برخی آیات به عموم مردم امر به مشورت نموده و فرموده است: «والذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلاه و امرهم شوری بینهم؛ (شوری/۳۸) و آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند.»

کلمه «شوری» به معنای آن پیشنهاد و امری است که درباره‌اش مشاوره شود بنابراین آیه چنین می‌فرماید: مؤمنین آن‌ها ایند که هر کاری می‌خواهند بکنند در بینشان شورایی می‌شود که پیرامونش مشورت می‌کنند (طباطبایی، بیتا، ج ۱۸، ص ۶۳) زمخشری نیز معتقد است کلمه «شوری» مصدر است و این یعنی؛ کار مؤمنین مشاورت در بین خویش است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۸) علاوه بر این در آیه ۲۳۳ سوره بقره به زن و شوهر دستور می‌دهد تا درباره امور نوزاد از شیر گرفتن کودک تا سایر امور باید مشورت کنند (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۶۶) قرآن تعبیری که درباره عموم مردم دارد همین تعبیر را برای پیامبر (ص) نیز دارد و به حضرت دستور می‌دهد با مردم حتی آنان که در گذشته لغزش داشته‌اند در بعضی امور مانند کار جنگ مشورت کند (همان، ص ۶۳۷)

از مجموع آیات و روایات باب مشاوره و ویژگی‌های مشاور مثل آنچه در رساله حقوق امام سجاد (ع) در باب «حق المستشیر» آمده این مطلب ثابت می‌شود که مشاور و مستشار (مشورت دهنده و نه مشورت گیرنده) باید

علاوه بر علم و شایستگی و... خیرخواه باشد چنان که می‌فرماید: «فان حضرک له وجه رای جهدت له فی النصیه...؛ اگر اندیشه خوبی داری بکوش تا خیرخواهانه آن را در اختیارش قرار دهی» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۳۶۰، ابواب الخمسین و ما فوقه؛ صدوق، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۶۱۶) و لذا یکی از راه‌های رسیدن به واقعیت، مشورت با انسان‌های آگاه و دلسوز و راست‌گو است، در این صورت، دو خرد (خرد مشورت‌کننده) که به آن «مستشیر» می‌گویند و خرد طرف دیگر که به آن مستشار می‌گویند به هم کمک می‌کنند و مشکلات حل می‌شود اما اگر مشاور در مقام مشورت ذی‌نفع باشد و از نتیجه مشورت منتفع گردد افزون بر اینکه خیرخواه نیست بلکه یکی از مصادیق بارز تعارض منافع مذموم خواهد بود که اگر به‌درستی مدیریت نشود پیامدهای فراوانی دامن‌گیر آن‌ها خواهد شد.

۳-۳. موقعیت قضاوت و داوری

زمینه‌های تعارض منافع در موقعیت قضاوت و داوری بسیاری فراوان است. برخی آیات قرآن، این زمینه‌ها و چگونگی مدیریت بر آن را بیان داشته است. قرآن کریم قضاوت و داوری رسول خدا (ص) را بر اساس حکم خدا بیان می‌کند چنانکه در آیه ۱۰۵ سوره نساء می‌خوانیم: «لتحكم بين الناس بما اراك الله؛ (نساء/۱۰۵) تا میان مردم به موجب آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی» اما شدت تعارض منافع در این موقعیت آن‌قدر بالا است که برخی از مسلمانان این باور غلط را درباره پیامبر خدا نیز روا می‌داشتند. در آیه ۴۹ سوره نور می‌فرماید: «و ان یکن لهم الحق یا توا الیه مذعنین؛ (نور/۴۹) و اگر حق با آنان بود و به سودشان باشد با رضایت و تسلیم به‌سوی پیامبر می‌آیند.»

مذعنین در آیه به معنای اطاعت‌کنندگان با سرعت است از ماده ذعن و اذعان است که هر دو به معنای اطاعت با سرعت است و این کلمه فقط یک‌بار در قرآن آمده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۲۳۶) بر اساس شأن نزول، این آیه درباره عثمان بن عفان نازل شده است. مسلمانان وقتی در جنگ بنی‌نضیر پیروز شدند و غنائم را پیامبر تقسیم می‌کرد عثمان بن عفان به علی (ع) گفت از پیامبر درخواست کن اگر فلان زمین را به تو بدهد من با تو شریک می‌شوم. علی (ع) فرمود تو برو و درخواست کن که اگر گرفتی من شریک تو می‌شوم. عثمان رفت و پیامبر موافقت کرد و زمین را به عثمان تحویل داد اما عثمان حاضر به شراکت با علی (ع) نشد. علی (ع) پیشنهاد قضاوت نزد پیامبر (ص) را داد که عثمان نپذیرفت و گفت: چون پیامبر پسرعموی علی (ع) است می‌ترسم به نفع علی (ع) قضاوت کند؛ و مسئله تعارض منافع را پیش کشید و سپس آیات ۴۸ و ۴۹ نازل گردید

و عثمان پذیرفت و نزد پیامبر به مشارکت علی (ع) اقرار نمود. (همان؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۸۷)
آیه در مقام نکوهش است و می‌فرماید: اگر بفهمند که در داوری برای آنان نفع یا حقی است آنگاه با تواضع به سمت آن می‌روند. به‌طور خاص می‌توان از عتاب و خطاب قبل و بعد از این آیه نتیجه گرفت که داور نباید ذی‌نفع باشد و از جریان و نتیجه داوری منتفع شود البته این برداشت نیازمند برخی مقدمات است که در صدد بیان آن نیستیم باید به تفاسیر مراجعه کرد (محقق داماد و محمد درویش زاده، ۱۴۰۰، شماره ۱۰، ص ۵۸)

۳-۴. موقعیت املاء و کتابت (برای طلبکار)

برای تنظیم اسناد تجاری نوزده دستور در دادوستد مالی در طولانی‌ترین آیه قرآن آمده است. آیه‌ای که می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمى فاکتبه ولیکتب بینکم کاتب بالعدل... و لیملل الذی علیه الحق...» (بقره/۲۸۲) ای اهل ایمان، چون به معامله دین‌دار (قرض و نسیه) معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد و بایست نویسنده عادل می‌باشد میان شما را بنویسد... و مدیون و بدهکار باید مطالب را املاء کند...»

برخی از دستورات نوزده‌گانه عبارت‌اند از:

۱. لزوم کتابت در معاملات دین‌دار شامل: وام، قرض، سلف و نسیه
 ۲. لزوم کتابت به‌وسیله شخص سوم که واجد شرایط عدالت و ... باشد
 ۳. املاء کتابت با بدهکار و مدیون است، نه طلبکار
 ۴. املاء ولی بدهکار در صورتی که بدهکار مانع داشته باشد.
- املاء و املاال به معنی دیکته کردن و گفتن مطلبی که بنویسند. املاال از لغت حجازی و بنی اسدی است اما املاء از لغت بنی تمیم و قیس است (شرتونی، ۱۳۷۴ ش، ذیل ماده) از این آیه می‌توان علاوه بر موقعیت، فلسفه تعارض منافع را نیز استنباط کرد زیرا در این آیه پیش بینی شده است که کسی که بدهکار است باید اجازه املاء کردن را داشته باشد اما طلبکار نباید متن قرارداد را بنویسد و یا آن را املاء کند. حق تدوین و املاء که امروزه در حقوق عمومی به آن «حق ابتکار لایحه» (محقق داماد و درویش زاده، ۱۴۰۰، مقاله: حقوق را جدی بگیریم...) گفته می‌شود در قراردادهای خصوصی به‌موجب این آیه برای بدهکار پیش بینی شده است و نه طلبکار؛ بنابراین طلبکار و طلبکاری از موقعیت‌های جدی تعارض منافع است که قرآن حق املاء را از او به دلیل ذی‌نفع بودن، سلب نموده و به بدهکار واگذار کرده است.

۳-۵. موقعیت ذی نفع بودن امین

یکی دیگر از مصادیق تعارض منافع، موقعیت ذی نفع بودن شخصی امین در قرآن معرفی شده است در آیه ۷۲ مؤمنون می فرماید: «ام تسألهم خرجاً فخرجاً ربك خيرٌ و هو خير الرازقين و انك لتدعوهم الى صراط مستقيم؛ (مؤمنون/۷۲) مگر تو از این امت خرج و مزد رسالت می خواهی؟! (هرگز!) مزدی که خدا به تو دهد بهتر است که خدا بهترین روزی دهنده است و البته تو آن‌ها را به سوی صراط مستقیم هدایت می کنی»

این آیه استفهام انکاری است و از قول پیامبر نقل می کند که برای انجام وظیفه رسالت هیچ مزد و پاداشی دریافت نمی کنم. در این آیه بحث از ذی نفع واقع شدن امین است که از مصادیق تعارض منافع است بنابراین دریافت کردن پاداش ممنوعه مورد نکوهش و شماتت است. مفاد این آیه در بیش از ده آیه دیگر در قرآن آمده است. نمونه دیگر، آیاتی است که از نفع طلبی علمای بنی اسرائیل و مسیحیت را سرزنش می کند. نظیر آنچه در آیه ۴۱ سوره بقره می فرماید: «ولاتشتروا بآياتي ثمناً قليلاً» مضمون این آیه در بیش از ده آیه دیگر هم تکرار شده است و به طور آشکار و قاطع از تعارض منافع فردی این علما یهود و نصاری با منافع عمومی و دینی سخن می گوید و آنان را نکوهش می کند.

نمونه سوم را می توان در آیه سوم سوره نساء جستجو کرد. این آیه در بحث تعدد زوجات دستوراتی چون رعایت عدالت را مبنا قرار می دهد که اگر خوف عدم اجرای عدالت داشتید وارد این عرصه نشوید. درواقع، این آیه از آن جهت که نفع طلبی و سودآوری در انجام وظایف امانی را نفی می کند، می تواند ناظر به وضعیت و موقعیت تعارض منافع باشد. نمونه های دیگری نیز در قرآن وجود دارد مانند آیات دال بر «منع فساد» و «منع ظلم» که از زاویه تعارض منافع قابل مطالعه هستند. (ر.ک: همان)

۳-۶. موقعیت دوستی

موقعیت دوستی می تواند یکی از مصادیق تعارض منافع باشد که در فرهنگ قرآن نسبت به آن هشدار جدی داده شده و می فرماید: «لايتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين...» (آل عمران/۲۸) نباید اهل ایمان، مؤمنان را وا گذاشته و از کافران دوست گزینند...

در یکی از شأن نزول های این آیه آمده است؛ پیامبر قصد فتح مکه را نمود و درعین حال مایل نبود اهل مکه از جریان این امر مطلع شوند یکی از اصحاب بنام حاطب بن ابی بلتعہ، اقوام و خویشاوندانی در مکه داشت به آن‌ها پنهانی نامه نوشت و قصد رسول خدا را به آن‌ها خبر داد و نامه را به زنی داد که به خویشاوندان وی در

مکه برساند. جبرئیل این موضوع را به پیامبر خبر داد و پیامبر علی (ع) را مأمور دستگیری آن زن نمود. امام علی (ع) آن نامه را از زن گرفت و در مسجد تحویل پیامبر داد اما کسی از نام نویسنده خبر نداشت تا اینکه پیامبر با صدای بلند اسم حاطب را به زبان آورد فرمود آیا تو این نامه را نوشتی؟ حاطب گفت بلی یا رسول الله... ولی من قصد سوء نداشتم چون خویشاوندانی در مکه داشتم مجبور به نوشتن چنین نامه‌ای شدم... (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۲۶۵) با دقت در شأن نزول آیه، روشن می‌شود که «حاطب» بخاطر تعارض منافع میان منافع دینی و ایمانی با منفعت دوستی و خویشاوندی با کافران دست به چنین اقدامی زده است و خداوند در این آیه بشدت نسبت به این موقعیت هشدار می‌دهد.

همچنین در آیه ۱۹ سوره جاثیه، مؤمنان را از دوستی با ظالمان بر حذر داشته و خود خدای متعال را بهترین و برترین دوست پرهیزکاران معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ان الظالمین بعضهم اولیاء بعض و الله ولیّ المومنین» (جاثیه/۱۹) برخی از مفسران معتقدند آیه در زمانی نازل شد که روابطی میان مسلمانان و مشرکان با یهود و نصاری وجود داشت و ادامه این ارتباط به دلیل موقعیت تعارض منافع بالا به ضرر مسلمین بود به همین دلیل مسلمانان از این کار و دوستی با کفار نهی شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۹) شاید عدم مدیریت تعارض منافع در این موقعیت دوستی و توجه نکردن به پیامدهای آن است که در قیامت عده‌ای با حسرت و انگشت‌به‌دهان آرزو می‌کنند ای کاش با پیامبر دوستی و هم‌نشینی می‌کردند و با فلانی پیمان دوستی نمی‌بستند این مسئله در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره فرقان چنین آمده است «... یا لیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً یا ویلتی لیتنی لم اتّخذ فلاناً خلیلاً» (فرقان/۲۷ و ۲۸)

۷-۳. موقعیت فرزندی و خویشاوندی

گاهی موقعیت تعارض منافع بین منفعت پیامبری و منفعت خویشاوندی به‌خصوص منفعت فرزندان شکل می‌گیرد. در قرآن مجید با مطالعه سرگذشت دو پیامبر بزرگ اولوالعزم همچون نوح نبی (ع) و حضرت ابراهیم خلیل (ع) این‌گونه تعارض منافع را می‌توان استخراج و استنباط کرد.

در آیه ۴۵ و ۴۶ سوره هود می‌فرماید: «ونادی نوحٌ ربّه فقال ربّ انّ ابنی من اهلی و انّ وعدک الحقّ و انت احکم الحاکمین قال یا نوح انه لیس من اهلیک انه عمل غیر صالح فلا تسألن ما لیس لک به علم و انی اعظک ان تکون من الجاهلین و نوح به درگاه خدا عرض کرد: پروردگارا فرزند من از اهل من است و وعده تو هم حتمی و تو قادرترین حکم‌فرمایانی. خدا گفت ای نوح، فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد زیرا او را عمل بسیار

ناشایسته است پس تو از من تقاضای چیزی را که آگاه نیستی مکن، من تو را پند می‌دهم که از مردم جاهل مباش.»

طبق این آیات حضرت نوح بین موقعیت مهر فرزندی و موقعیت پیامبری قرار گرفته است و از خدا درخواست نجات فرزندش را دارد و خداوند هم در جواب می‌فرماید: «او از اهل تو نیست چون عمل غیر صالح انجام داده است». درواقع آیه می‌خواهد بگوید: هنگام تعارض منافع میان مکتب و خویشاوندی، پیوند مکتبی، حاکم بر پیوند خانوادگی و خویشاوندی است. (قرائتی، ۱۳۸۶ ش، ج ۴، ص ۶۶؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹ ق، ج ۳، ص ۸۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۳۵۷) نکته تفسیری دیگر اینکه برای مدیریت چنین تعارضاتی پیامبران نیز به موعظه و راهکار الهی نیاز دارند (همان). نکته سوم اینکه برخی حرف واو را در جمله «ونادح نوح» برای ترتیب زمانی نمی‌دانند و این دعا و تضرع را بیش از غرق شدن پسر نوح و به دنبال گفتگوی نوح با کنعان می‌دانند. برخی هم بعد از غرق شدن پسر نوح می‌دانند که نوح به سبب مهر پدری مردن فرزند را از یاد برده است یا اینکه چون به قدرت مطلقه خدا ایمان داشته فرزند خود را از آستان او خواسته است. (حسینی، شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ص ۷۶؛ دانشنامه اسلامی، مدخل قرآنی، تفسیر آیه ۴۵ هود) علاوه بر حضرت نوح، ابراهیم خلیل نیز در موقعیت تعارض منفعت پیامبری و منفعت فرزندان قرار گرفت و در این موقعیت منافع پیامبری را برای فرزندان خویش از خدا طلب کرد که خداوند همانند نوح، به ابراهیم نیز پاسخ منفی داده و فرمود چنین منافعی برای همه فرزندان به‌طور مطلق امکان‌پذیر نیست بلکه شایستگی لازم دارد همان‌طور که فرزند غیر صالح نوح نتوانست از منافع نبوت بهره گیرد و نجات یابد فرزند ظالم حضرت ابراهیم هم نمی‌تواند از منافع نبوی بهره‌مند شود لذا در آیه ۱۲۴ سوره بقره می‌فرماید: «... لاینال عهدی الظالمین، عهد امامت به فرزندان و ذریه ای که عمل ظالمانه و کفر و شرک دارند نمی‌رسد» (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۷۲)

در برخی از تفاسیر آمده که حضرت ابراهیم در بین انبیاء جایگاه و منزلت خاصی دارد. نام آن بزرگمرد ۶۹ مرتبه و در ۲۵ سوره قرآن آمده و از او همانند پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان اسوه و نمونه برای بشریت یاد شده است. وی مقام امامت را برای نسل خود نیز درخواست نمود پاسخ آمد که این مقام عهدی است الهی که بر هرکس لایق باشد عطا می‌شود. در میان نسل تو نیز کسانی که شایستگی داشته باشند همانند پیامبر اسلام (ص) به این مقام خواهند رسید ولی کسانی که دچار کوچک‌ترین گناه و سستی شده باشند لیاقت این مقام را ندارند. منشأ امامت وراثت نیست بلکه لیاقت است و از اهم شرایط رهبری، عدالت و حسن سابقه است و نه منافع

خانوادگی و وراثتی. (همان؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۳۰؛ قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۷)

۴. راهکارهای مدیریت تعارض منافع در فرهنگ قرآن

فرهنگ قرآن در مواجهه با ناهنجارهای اجتماعی علاوه بر معرفی موقعیت‌ها، ارائه راهکارهای عملی برای پیشگیری و برون‌رفت از ناهنجاری‌ها خواهد بود. تاکنون هفت موقعیت تعارض منافع در فرهنگ قرآن و دیدگاه مفسران بیان شد. در این قسمت به مهم‌ترین راهکارها و برخی از پیامدهای عدم توجه به این راهکارها می‌پردازیم. نکته حائز اهمیت اینکه میزان کارایی راهکارها متفاوت است زیرا بعضی از این راهکارها از قابلیت فراگیری بیشتری برخوردارند و در بسیاری از موقعیت‌های تعارض منافع قابلیت بهره‌مندی را دارد و بعضی دیگر کمتر که در این بخش به هر دو دسته اشاره می‌کنیم.

۴-۱. ترجیح منافع عالی بر منافع دانی

در تعارض منافع عمده‌ترین و عمومی‌ترین راهکار قرآنی «ترجیح منافع عالی بردانی» است که به شکل‌های مختلف بروز می‌کند. این راهکار از قاعده «الاهم فالاهم» که یک اصل عقلانی است و در فقه در باب تزاحم احکام بسیار کاربرد دارد استنباط می‌شود. سند این قاعده و راهکار علاوه بر بنای عقلاء آیات و روایات موجود در منابع دینی است که سند قرآنی آن را بیان می‌کنیم.

۴-۱-۱. ترجیح منافع دینی بر دنیاطلبی

در آیه ۲۴ سوره توبه سه مصلحت عالی عبارت بودند از (۱) حبّ الله (۲) حبّ رسول الله (۳) حبّ جهاد فی سبیل الله؛ اما هشت مصلحت دانی هم مطرح شد که عبارت‌اند از: حب پدران، فرزندان، برادران، خویشاوندان، اموال، تجارت، منازل و حب همسران.

وظیفه و راهکار قرآنی اینکه: هرگاه میان هشت منافع دانی با سه منافع عالی تعارض شد وظیفه تقدم منافع عالی و عمومی بر منافع دانی و شخصی است؛ یعنی قبل از تعارض منافع، عمل به هردو محبوب‌ها جایز است اما در صورت تعارض که امر دایر است بر اینکه محبوب‌های هشت‌گانه را پای بند باشیم یا محبوب‌های سه‌گانه: پیشنهاد قرآن اینکه چون محبوب‌های سه‌گانه دارای مصالح اهم و عالی هستند باید بر مصالح مهم و دانی مقدم شوند در غیر این صورت تهدید به اجرای امر الهی می‌شوند.

این فرهنگ و راهبرد قرآنی از جمله «احبّ الیکم» در آیه مذکور که افعّل تفصیلی است به دست می‌آید و می‌تواند سند محکم و مؤید بنای عقلاء در بهره‌گیری از قاعده «الاهم فالاهم» باشد.

فخر رازی درباره این راهکار قرآنی می‌نویسد: «وهذه الايه تدل على انه اذا وقع التعارض بين مصلحه واحده من مصالح الدين و بين جميع مهمات الدنيا، وجب على المسلم ترجيح الدين على الدنيا» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۷) آیه بر این دلالت دارد که اگر بین یک مصلحت دین با تمام مصالح دنیایی تعارض واقع شود بر هر مسلمانی واجب است که مصلحت دین را مقدم بدارد. وی معتقد است آیه ۲۴ توبه تقریر جواب از آیه اول این سوره است چون وقتی در آیه اول (براءه من الله و رسوله ...) دستور برائت کلی صادر شد عده‌ای از مؤمنین گفتند: یا رسول الله چگونه ما بتوانیم از همه به‌طور کلی قطع رابطه کنیم؟ برای اینکه در میان آنان پدران ما برادران، عشیره و همسران ما... هستند. خداوند در آیه ۲۴ برای آن‌ها بیان کرد که باید همه این مضار دنیوی را تحمل کنید تا دینتان سالم باقی بماند و اگر احیاناً این مصالح دنیایی را بر طاعت خدا و رسول مقدم بدارید منتظر آمدن امر الهی که همان وعید عذاب است باشید (همان) پس راهکار عقلانی و قرآنی، ترجیح مصالح عالی دین بر مصالح دنیوی است و اگر به این راهکار جهت رفع تعارض منافع توجه نشود حتماً منتظر آمدن عذاب الهی باشید.

۴-۱-۲. ترجیح مصلحت فرمان الهی بر مصلحت خانواده و فرزندان

در ماجرای حضرت نوح و پسرش (کنعان) که در آیات ۴۵ تا ۴۷ سوره هود بیان شده است مطابق ظاهر آیات فوق حضرت نوح میان دو منافع قرار گرفتند: یکی منفعت و مصلحت موجود در فرمان الهی که همان قطعیت نزول عذاب و شمول آن بر فرزند نوح است و دیگری مصلحت و مهر فرزندی که آن حضرت تصور می‌کرد که وی به او ایمان دارد و صرفاً گناهی مرتکب شده و به فرمان پدر بر کشتی نجات سوار نمی‌شود (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۰ ص ۳۵۰)

نوح باید تصمیم بگیرد که در این موقعیت تعارض منافع کدام مصلحت را بر دیگری مقدم کند. از ظاهر آیات و بیان مفسران و همچنین از جایگاه والا و اسوه‌ای که نوح نبی برخوردار است بلافاصله پس از روشن شدن همه جوانب مصلحت فرمان الهی را بر مصلحت مهر فرزندی ترجیح داد و به‌درستی این تعارض منافع را مدیریت نمود که اگر این مدیریت انجام نمی‌شد قطعاً پیامد عقاب و خطاب در آیه ۴۶ و امر به استغفار در آیه ۴۷ سوره هود به قوت خویش باقی می‌ماند. فخر رازی درباره روشن شدن حقیقت ماجرا برای حضرت نوح می‌نویسد: «هذا الآيه تدل على ان العبره بقرابه الدين لا بقرابه النسب فان في هذه الصورة كانت قرابه النسب حاصله من اقوى الوجوه ولكن لما انتفعت قرابه الدين نفاه الله تعالى بألغ الالفاظ» و هو قوله: «انه ليس من اهلك» (فخر

رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۳۵۷) آیه بر این دلالت می‌کند که معیار تشخیص مصلحت عالی داشتن پیوند دین است و نه پیوند نسبی با پیامبر چون در این ماجرا فرزندان نوح پیوند نسبی‌اش از جمیع جهات ثابت بود اما آنچه را که نوح از آن اطلاع نداشت فقدان پیوند دینی بود که خداوند با قاطعیت به نوح این مطلب را ابلاغ کرد و فرمود: او از اهل تو نیست (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۳۸)

۴-۱-۳. ترجیح مصلحت حکم الله بر حکم اربابان و والدین

حضرت یوسف (ع) بین حکم ارباب و رضایت الهی قرار گرفته بود و در این شرایط سخت رضایت خدای متعال را بر درخواست اربابش ترجیح داد. قرآن مجید این داستان و راهکار مهم تعارض منافع را در آیه ۲۳ سوره یوسف در قالب: «و قالت هیئت لک» درخواست و منفعت ارباب را، با پاسخ «وقال معاذالله» یوسف مطرح کرده است. برخی از مفسرین در این باره نوشتند: «واقعۀ یوسف و همسر عزیز مصر کشمکش میان حب الهی و عشق و دلدادگی حیوانی است هر یک از دو طرف می‌خواستند یوسف را به خود بکشاند و سرانجام یوسف دستخوش جذبه آسمانی و الهی شد و نجات یافت» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۱۹)

علاوه بر این، چنین راهبردی در آیات مربوط به اطاعت والدین نیز قابل استنباط است که خداوند می‌فرماید: «و ان جاهدک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما...» (لقمان/۱۵) و اگر آن دو (پدر و مادر) تلاش کردند چیزی را که بدان علم نداری شریک من سازی، از آنان اطاعت نکن...

اطاعت در فرهنگ قرآن سه نوع است: ۱) اطاعت مطلق نسبت به خدا، پیامبر و اولی الامر، (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم. (نساء/۵۹) ۲) عدم اطاعت مطلق از کافران و مفسدان و منافقان ... (ولا تطع الکافرین و المنافقین... (احزاب/۱ و ۴۸) ۳) اطاعت مشروط نسبت به والدین که در واقع تعارض منافع در این موقعیت رخ می‌دهد. راهکار قرآنی این است که حق خدا و مصلحت در حکم الهی بر هر حقی از جمله حق والدین مقدم است (فلا تطعهما) و اگر به این راهبرد قرآنی توجه نشود و احیاناً حکم والدین بر حکم الله مقدم شد پایان آیه تهدید به قیامت می‌شود و می‌فرماید: الی مرجعکم فانبتکم، یعنی قیامت عرصه حضور انسان‌ها در محضر الهی است و از او در این ترجیح باطل بازخواست می‌شود. (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۲۵۹)

۴-۱-۴. تقدم مصلحت فقرا بر مصلحت اغنيا

راهکاری که در آیه ۷۹ سوره توبه آمده این است کمک‌های اندک فقرا که مورد تمسخر و طعن منافقان قرار داشت باید بر انبوه کمک‌های سرمایه‌داران ترجیح داده شود و مورد حمایت پیامبر (ص) قرار گیرد.

آیه می‌فرماید: «الذين يلمزون المطوعين من المؤمنين في الصدقات و الذين لا يجدون الا جهد هم فيسخرن منهم سخر الله منهم و لهم عذاب اليم»؛ (توبه/۷۹) آن کسانی که عیب‌جویی می‌کنند بر آن مؤمنانی که به صدقات مستحب، فقیران را دستگیری می‌کنند و همچنین مسخره می‌کنند بر آن مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آن‌ها است هم مضایقه نمی‌کنند، خدا هم آن‌ها را البته مسخره و مجازات می‌کند و به آن‌ها عذابی دردناک خواهد رسید.» مطابق شأن نزول‌ها رسول خدا (ص) از مردم تقاضای کمک برای جبهه کرد ناتوانان کمک اندک داشتند. کمک‌های بی‌بضاعت‌ها مورد طعن و عیب‌جویی و تمسخر منافقان قرار می‌گرفتند که آیه آن‌ها را از این کار بر حذر می‌دارد و وعده عذاب به آن‌ها می‌دهد (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۱۰۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۴۸)

علاوه بر این، در داستان پیروان حضرت نوح هم‌چنین تعارضاتی رخ داد و پیروان متمول و سرمایه‌دار نوح (ع) از حضرت درخواست داشتند تا زمانی که شما به منافع فقرا و گمنامان توجه کنید ما به شما ایمان نمی‌آوریم. درواقع آنان حضرت نوح را وادار به انتخاب یکی از این دو مصلحت نمودند که یا مصلحت ما و یا مصلحت فقرا (شعراء/۱۱۱) حضرت نوح پاسخ دادند: و ما انا بطارد المؤمنين؛ (شعراء/۱۱۴) و من هرگز مؤمنان به حق را (هرچند فقیر و گمنام باشند) از خود نرانم. مستکبران حتی از انبیاء نیز توقع طرد فقرای گمنام باایمان را داشتند و همه انبیاء دست رد به این پیشنهاد می‌زدند. خداوند در آیه ۲۸ سوره کهف به پیامبر (ص) دستور می‌دهد: «مؤمنانی که هر صبح و شام خالصانه خدا را می‌خوانند قرار بده و به خاطر رسیدن به زینت‌های دنیا از آنان چشم‌پوشی نکن و از غافلان و هواپرستان و متجاوزان پیروی نکن». (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۳۴۵)

۴-۲. رعایت عدالت

یکی دیگر از راهکارهای مهمی که در تعارض منافع در مسئله تعدد زوجات از سوی قرآن کریم مطرح می‌شود، رعایت عدالت اقتصادی میان همسران متعدد است. در آیه ۳ سوره نساء هشدار می‌دهد که اگر این شرط برای شما مقدور نبود حتماً تک‌همسری را انتخاب کنید: «فان خفتم الا تعدلوا فواحدة» و وارد مسائل چندهمسری نشوید. اسلام تعدد زوجات را منع یا لغو نکرد بلکه آن را تحدید و تقبید نمود یعنی از طرفی نامحدود بودن آن را از میان برد و برای آن حداکثر قائل شد که چهارتا است (مثنی و ثلاث و رباع) و از طرفی دیگر برای آن قیود و شرایطی قائل شد که مهم‌ترین شرطش رعایت عدالت است که عالی‌ترین فضیلت انسانی و اخلاقی است و بدین‌وسیله اجازه نداد تا در سایه تعارض منافع میان زنان یا فرزندان آن‌ها ظلم و ستمی صورت گیرد. (مطهری، ۱۳۸۶ ش، ص ۴۲۷)

درواقع قرآن با قرار دادن راهکار عدالت بین همسران منفعت آنان را تأمین نموده و جلوی تعارض منافع را می‌گیرد.

۳-۴. اصل ایثار و از خودگذشتگی

ایثار و گذشت راهکار دیگری است که در فرهنگ قرآن در داستان حضرت یوسف (ع) می‌توان استنباط کرد بدین‌سان که یوسف پیامبر (ع) در میان تعارض منافع شخصی خود که از برادران خویش انتقام بگیرد و یا حفظ منافع خانوادگی و برادران را مقدم بدارد سرانجام با ایثار و گذشت از منافع شخصی خود، خطاب به برادران فرمود: «قال لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین» (یوسف/۹۲) گفت: امروز بر شما توبیخ و ملامتی نیست. خداوند شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است.»

در روز فتح مکه نیز مشرکان به کعبه پناهنده شده بودند، عمر گفت: ما امروز انتقام خواهیم گرفت؛ اما پیامبر (ص) فرمود: امروز روز مرحمت است. امروز کلام من همان کلام یوسف است: «لا تثریب علیکم» عمر گفت: من از حرف خودم شرمندهام (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۹، ص ۲۵۸) نمونه دیگر بهره‌گیری از راهکار ایثار در تعارض منافع را قرآن یکی در وصف انصار ذیل آیه ۹ سوره حشر بیان می‌کند... و یثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة، نیازی به آنچه به مهاجران داده شد احساس نمی‌کنند و اگرچه خود شدیداً در فقر هستند ولی مهاجران را بر خود مقدم می‌دارند؛ و دیگری را در توصیف ابرار در سوره انسان آیه ۸ می‌فرماید: «غذای خودشان را با آنکه نیاز شدید دارند به فقیر و یتیم و اسیر می‌دهند» خداوند ابرار را توصیف به ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خودشان می‌کند.

۴-۴. منع املاء و کتابت طلبکار

جمله «ولیملل الذی علیه الحق» در طولانی‌ترین آیه قرآن (بقره/۲۸۲) اشاره به یکی از مهم‌ترین راهکار مقابله با تعارض منافع در دادوستدهای مالی دارد و آن اینکه می‌فرماید: اگر معامله دین‌دار مثل وام، قرض، نسیه و سلف می‌کنید حتماً نویسنده عادل این معامله را بنویسد و مدیون و بدهکار باید مطالب را املاء کند. در این آیه پیش‌بینی شده است کسی که بدهکار است باید اجازه املاء کردن اسناد معامله را داشته باشد اما طلبکار نباید متن قرارداد را بنویسد و یا آن را املاء کند بنابراین طلبکار و طلبکاری از موقعیت‌های جدی تعارض منافع است که قرآن حق املاء را به دلیل ذی‌نفع بودن از او سلب نموده و به بدهکار واگذار کرده است.

۵-۴. ایجاد تعارض منافع مثبت

یکی از راه‌های مقابله با تعارض منافع در فرهنگ قرآن، ایجاد یک تعارض منافع مثبت است که این راهکار را

می‌توان از آیه «نجوا» یعنی آیه ۱۲ سوره مجادله استنباط کرد.

در شأن نزول آیه نقل شده که توانگران و ثروتمندان نزد پیامبر می‌آمدند و اوقات پیامبر را به مشورت می‌گرفتند و زیاد با او در گوش سخن می‌گفتند و در مجلس‌ها بر فقیران غالب می‌شدند و فرصتی برای فقراء درباره صحبت کردن با پیامبر باقی نمی‌ماند. به‌گونه‌ای که پیامبر نشستن‌های طولانی و نجوهای آن را ناپسند می‌دانست آنگاه آیه نازل شد (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۲۲۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۵۲) «یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدئ نجواکم صدقه ذلک خیر لکم و اطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم» (مجادله/۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید: هرگاه خواستید با رسول خدا گفتگوی خصوصی داشته باشید پس قبل از نجوای خود صدقه‌ای بدهید. این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی ندارید پس همانا خدا آمرزنده و مهربان است.» در این آیه یک منفعت دانی پیشین وجود دارد و آن حب الکلام با پیامبر (ص) و وقت‌گذرانی با حضرت بدون نیاز و دلیل واقعی است؛ اما اصل آیه در صدد مدیریت و حفظ منافع عالی و مصلحت عمومی است که آن مدیریت زمان پیامبر و عدم اتلاف وقت شریف ایشان می‌باشد؛ زیرا پیامبر رهبر جامعه است و وقت ایشان برای همه امت است بدین جهت برای مدیریت وقت‌های پیامبر راهکاری ارائه شد و آن ایجاد منفعت دانی جدید که حب المال و صدقه دادن است؛ بنابراین خداوند بین حب کلام با پیامبر (نفع دانی پیشین) و حب مال (نفع دانی جدید) تعارض ایجاد کرد تا بتواند نفع عالی و عمومی را که همان مدیریت زمان پیامبر است را حفظ کند یعنی با ایجاد نفع دانی جدید نفع عالی بر نفع دانی پیشین مقدم شد بنابراین تعارض منافع مثبت در فرهنگ قرآن، یکی از راهبردها و راهکارهای مقابله با تعارض منافع منفی است. (محمد واثقی، اندیشکده شفافیت برای ایران، سی و دومین نوشته در باب تعارض منافع)

۶-۴. سرزنش نفع طلبی

خداوند برای رفع تعارض منافع، علمای یهود را مورد سرزنش قرار می‌دهد که آیات خدا را به بهایی اندک می‌فروشنند در آیه ۴۱ سوره بقره می‌فرماید: و آمنوا بما انزلت مصداً لما معکم و لاتکونوا اول کافر به ولا تشتروا بآیاتی ثمناً قليلاً وایای فائقون، به قرآنی که فرستادم ایمان بیاورید که تورات شما را تصدیق می‌کند و اول کافر به آن نباشید؛ و آیات مرا به بهای اندک نفروشید و تنها از قهر من بپرهیزید. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۱) در عبارت «ولاتشتروا بآیاتی ثمناً قليلاً» شراء به معنای بیع و فروش است و منظور این است که آیات الهی را در مقابل آنچه از دیگران اخذ کرده‌اید. چه از امتیازات مالی یا معنوی نفروشید زیرا این بهایی که می‌دهید در مقابل

محرابه شما با اسلام است و چیزی به دست نمی‌آورید و تنها مالک ضرر می‌شوید و هیچ نفعی برای شما ندارد پس تقوای الهی را پیشه کنید. (فضل‌الله، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۵۱)

مضمون این آیه در بیش از ده آیه دیگر همچون آیات ۴۰ تا ۴۴ بقره، ۴۴ مائده و ۹۵ نحل تکرار شده است. نتیجه‌اش این است که عالمان دینی و دین‌فروشی در موقعیت تعارض جدی قرار خواهند داشت که در صورت عدم مدیریت به قهر الهی تهدید شدند. درواقع حفظ دین و ایمان به قرآن و اسلام از مصالح و منافع عالی و عمومی است اما کسب درآمد دنیایی از مصالح و منافع دانی و شخصی، در آیه مطرح شده است که وظایف علمای دین تقدم منافع عمومی و دینی بر تقدم منافع فردی و شخصی است و بالعکس عمل کردن پیامدهای تهدیدآمیزی به همراه دارد. انواع مدیریت تعارض منافعی که تاکنون مطرح شده‌اند همگی جنبه پیشگیری دارند اما راهکار اخیر هم جنبه پیشگیری دارد و هم جنبه درمانی که اگر کسانی چون علمای یهود گرفتار تعارض منافع شده باشند باید به درمان آن‌ها پرداخت و آیه مذکور درمان تعارض منافع را سرزنش دنیا و آخرت معرفی می‌کند.

دست‌آورد بحث

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد:

۱. در فرهنگ قرآن تعارض منافع، موقعیتی مخرب دارد و به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های نامعقول است و از شاخصه‌های مهم فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی به‌حساب می‌آید ازاین‌روی باید به‌درستی مدیریت شود. خدای متعال بر اهمیت این موضوع واقف بوده و برای مدیریت آن راهبردهایی را در قرآن کریم ترسیم نموده است.
۲. یکی از راهبردهای اصلی در فرهنگ قرآن کریم، معرفی و شناخت موقعیت‌های تعارض منافع است. در این پژوهش به فراخور ظرفیت حجمی مقاله برخی از این موقعیت‌ها همچون موقعیت دنیاطلبی، مشورت، املاء و کتابت اسناد رسمی، خویشاوندی و دوستی و ... استنباط و معرفی شده است برای اینکه تا وقتی موقعیت تعارض منافع را کسی واقف نباشد امکان مقابله و مدیریت آن وجود نخواهد داشت.
۳. پس از شناخت موقعیت‌های تعارض منافع نوبت به راهکارها و نوع مدیریت در مواجهه با تعارض منافع است که قرآن مجید برای پیشگیری از پیامدهای سوء تعارض منافع راهکارهایی همچون، ترجیح مصالح عالی بردانی، رعایت عدالت و ایثار، منع املاء و کتابت طلبکار، ایجاد تعارض منافع مثبت و سرزنش نفع طلبی و ...

استنباط و ارائه شده است.

۴. در خلال مباحث فوق به برخی از پیامدهای عدم مدیریت تعارض منافع همچون تهدید به آمدن عذاب الهی، سرزنش منفعت‌طلبی و رفاه‌زدگی و تهدید به حضور در قیامت اشاره شده است. لکن حق مطلب در این بخش به دلیل رعایت اختصار و محدودیت حجمی مقاله اداء نشده است. از این‌رو، بنا است در یک فرصت مناسب و در یک مقاله‌ای جداگانه و اختصاصی به دو مطلب پیرامون تعارض منافع در فرهنگ قرآن پرداخته شود یکی آثار و برکات مدیریت تعارض منافع در سایه بهره‌گیری از راهکارهای قرآن کریم و دیگر پیامدها و نتایج سوء عدم مدیریت و یا عدم توجه به راهکارهای قرآن مجید در مواجهه با تعارض منافع.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۲ ش). *تحف العقول* (ترجمه: صادق حسین زاده). قم: نشر آل علی (ع).
۲. ابن فارس، ابی‌الحسین احمد. (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة* (تحقیق عبدالسلام محمد هارون). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق). *روح الجنان و روح الجنان تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. (چاپ اول)
۵. اصفهانی، راغب. (۱۳۸۸ ش). *مفردات الفاظ القرآن* (ترجمه: مصطفی رحیمی نیا). تهران: نشر سبحان. (چاپ دوم)
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ ق). *روح المعانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. بادینی، حسن و سیاه بیدی، سعید. (۱۴۰۰ ش). تحلیل مفهوم و مصادیق تعارض منافع در حقوق خصوصی. *مجله حقوقی دگستری*، ۸۵(۱۱۶)، زمستان ۱۴۰۰.
۸. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۵ ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر. (چاپ اول)
۹. ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ ق). *تفسیر روان جاوید*. تهران: انتشارات برهان. (چاپ سوم)

۱۰. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۸۳ ش). *انسان و قرآن*. قم: نشر الف. لام. میم. (چاپ اول)
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳ ش). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: انتشارات میقات. (چاپ اول)
۱۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵ ش). *لغت نامه فرهنگ متوسط دهخدا* (به کوشش غلامرضا ستوده و همکاران). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (چاپ اول)
۱۳. رشیدرضا، محمد. (۱۴۱۴ ق). *تفسیر المنار*. بیروت: دارالمعرفه. (چاپ اول)
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). *الکشاف*.... بیروت: دارالکتاب العربی. (چاپ سوم)
۱۵. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۶ ش). *فربه تر از ایدئولوژی*. تهران: موسسه فرهنگی صراط. (چاپ پنجم)
۱۶. شرتونی، سعید. (۱۴۱۶ ق = ۱۳۷۴ ش). *اقترب الموارد*. تهران، قم: اداره اوقاف دارالاسوه. (چاپ اول)
۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹ ش). *نهج البلاغه* (ترجمه: محمد دشتی). تهران: نشر رامین. (چاپ اول)
۱۸. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۶۳ ش). *من لایحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طباطبایی (علامه) محمدحسین. (بی تا). *المیزان* (ترجمه موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو. (چاپ سوم)
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). *تفسیر جوامع الجامع*. قم: حوزه علمیه قم. (چاپ یک)
۲۲. طوسی (شیخ) محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. (چاپ اول)
۲۳. عزت دروزه، محمد. (۱۳۸۳ ق). *التفسیر الحدیث*. قاهره: دار احیاء الكتب العربیه.
۲۴. عمید، حسن. (۱۳۶۵ ش). *فرهنگ فارسی عمید سه جلدی*. تهران: انتشارات امیرکبیر. (چاپ ۲)
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ق). *التفسیر العیاشی*. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه. (چاپ اول)
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. (چاپ سوم)
۲۷. فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۴ ق). *من حی القرآن*. بیروت: دارالملاک.
۲۸. فیض کاشانی، محسن و بلاغی، محمدجواد. (۱۳۹۵ ش). *هفده گفتار در علوم قرآنی* (مترجم: سید حسین حسینی). تهران: نشر آفاق. (چاپ دوم)

۲۹. قرائتی، محسن. (۱۳۸۶ ش). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. (چاپ هجدهم)
۳۰. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ ش). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: نشر بنیاد بعثت. (چاپ سوم)
۳۱. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ش). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: نشر ناصر خسرو. (چاپ اول)
۳۲. محقق داماد، سید مصطفی و درویش زاده، محمد. (۱۴۰۰ ش). مقاله: حقوق را جدی بگیریم ... *مجله دانشنامه حقوقی*، ۴(۱۰).
۳۳. محمدی، علی. (۱۳۸۷ ش). *شرح اصول فقه*. قم: انتشارات دارالفکر. (چاپ دهم)
۳۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶ ش). *نظام حقوق زن در اسلام*. قم: صدرا. (چاپ ۴۵)
۳۵. مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۶ ق). *اصول الفقه*. نجف اشرف: دارالنعمان. (چاپ دوم)
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹ ش). *برگزیده تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه. (چاپ ۷)
۳۷. ولایی، عیسی. (۱۳۸۷ ش). *اصول فقه*. قم: انتشارات دارالفکر. (چاپ چهارم)